



## بیانات در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور - 26 دی/ 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما خانمها خیلی متشکرم که از نقاط مختلف - چه از شهرها و چه از دانشگاههای مختلف - تشریف آوردید و در این جا اجتماع کردید تا مجموعه‌ی خانمهای عالم و متخصص را که بحمدالله حظ وافری از اعتقاد و عمل و ایمان دینی دارند، به‌عنوان یک مظهر از مظاهر سازندگی اسلامی، به هر کسی که می‌بیند و مطلع می‌شود، نشان بدهید. همین طور، از اظهارات و بیاناتتان هم متشکرم. تحلیلتان نسبت به مسایل دنیای امروز، تحلیل درستی است و هر آنچه که بر چنین بینش و تحلیلی مترتب بشود، نوید برکت و پیشرفت را با خود خواهد داشت. در یک جمله باید بگویم که ما - کسانی که امروز به نام اسلام سخن می‌گوییم و رسالت اسلام را رسالت برتر می‌دانیم - به وجود خانمهایی مثل شما افتخار می‌کنیم و این از آن جاست که هر تبلیغ و ادعایی، هرگاه به مرحله‌ی عمل و تحقق نزدیک شد، ارزش واقعی خود را خواهد یافت. ما در مورد مسأله‌ی زن از یک سو و مسأله دانش و تخصص از سوی دیگر و مسأله‌ی خدمت به افراد بشر هم از جانب دیگر، به نام اسلام ادعاهایی داریم. ادعاهای ما، در چارچوب اسلام است.

ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفتهای علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره‌ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. هدف از آفرینش هر فرد انسان، عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته بشود. فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه‌ی اول، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) و در درجه‌ی بعد، دیگر زنان بزرگ تاریخ است.

فاطمه‌ی زهرا (س) در قله‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به‌عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس، فرقی بین زن و مرد نیست و بخصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن کریم، آن وقتی که راجع به نمونه‌ی انسانهای خوب و نمونه‌ی انسانهای بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند. یک مورد زن فرعون و در مورد دیگر، همسر نوح و لوط را مثال می‌زند: "و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرات فرعون". در مقابل هم در مورد انسان بد و نگونسار و کج‌رفتار و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند، به زن نوح و لوط مثال می‌زند. این جا، جای سؤال است که مرد هم بود، حالا یکی را از مرد و یکی را از زن مثال می‌زند. نه، در همه‌ی قرآن، وقتی که می‌گوید: "ضرب الله للذین امنوا" یا "ضرب الله للذین کفروا"، در هر دو مورد از زن مثال می‌زند. آیا این به معنای آن نیست که ما باید از دیدگاه اسلام، به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن پاسخی بدهیم؟ اسلام می‌خواهد بایستد و این برداشت و روش و فهم غلط از مسأله‌ی زن را - که در طول تاریخ هم وجود داشته است - تصحیح کند.

من تعجب می‌کنم - جز استثناها - چرا این گونه بوده است؟ چرا بشریت همواره درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، کج فکر کرده است و می‌خواهد در مقابل این بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید، در همه‌ی برداشتها و تحلیلها و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد، جایگاه غلطی است و نسبت زن و مرد، نسبت غلطی می‌باشد. حتی در تمدنهای خیلی بلند پایه‌ی دنیای باستان - مثل تمدن روم یا ایران - برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمی‌خواهم جزئیات و تفصیلات را بیان کنم و لابد خودتان می‌دانید و می‌توانید هم مراجعه کنید. امروز هم وضع دنیا همین گونه است. امروز هم علی‌رغم همه‌ی این جنجالها و هیاهوها و ادعاهایی که در حمایت



از زن و موضع انسانی او می‌شود، متأسفانه همین برداشت غلط وجود دارد و اروپاییها چون دیرتر از کشورهای اسلامی و کشورهای غیر اروپایی وارد میدان شدند، نسبت به مسأله‌ی زن دیرتر تنبه پیدا کردند. می‌دانید که تا دهه‌های دوم این قرن، هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حق رأی نداشت. آن جاهایی هم که دمکراسی بود، زن حق صرف کردن مال خودش را نداشت. از دهه‌ی دوم - یعنی از سالهای هزار و نهصد و شانزده یا هیجده به بعد - آرام آرام در کشورهای اروپایی، تصمیم گرفتند که به زن حق اعمال نظر و تصرف در سرمایه‌ی خود و حقوق اجتماعی متساوی با مرد بدهند. بنابراین، اروپا خیلی دیر از خواب بیدار شد و خیلی دیر مسأله را فهمید. مثل این که می‌خواهد با جنجالهای دروغین، از لحاظ زمان جبران این عقب‌افتادگی را بکند.

البته در تاریخ اروپا، خانمهایی که ملکه می‌شدند و یا اشرافی بودند، وجود داشت؛ اما حکم یک زن و زنان یک فامیل یا یک تیره یا یک طبقه، غیر از مسأله‌ی زن است. این تبعیضها همیشه بوده است. خانمهایی هم بوده‌اند که در سطوح بالا قرار می‌گرفتند و مثلاً ملکه‌ی کشوری می‌شدند و این امتیاز، از طریق خانواده و میراث به آنها داده می‌شده است؛ اما "زن" این طور نبوده و بر خلاف دیدگاههای ادیان - که سالم و دست نخورده‌اش اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین دیدگاه را دارند - به هیچ وجه در جامعه از حقوقی برخوردار نبوده است.

پس، می‌بینید امروز هم که دنیای تمدن غرب می‌خواهد آن عقب‌افتادگی بسیار ملامت‌انگیز خود در مورد مسأله‌ی زن را جبران کند، طور دیگری جبران می‌کند. تصور من این است که آنها جانب مفاهیم انسانی در مورد زن را تحت‌الشعاع مسایل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهند؛ کما این که از اول هم در اروپا همین طور بوده است و از همان هنگام که به زنان حقوقی داده شد، غالباً بر همین مبانی غلط استوار بوده است.

وقتی که به صحنه‌ی تفکرات عالم نگاه می‌کنم و بینش اسلام را مشاهده می‌نمایم، بروشنی درمی‌یابم که جامعه‌ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله‌ی زن و رابطه‌ی زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاههای اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آنها را ارایه کند. این، ادعای ما نسبت به مسأله‌ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدنهای مادی امروز نسبت به زن عمل می‌شود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و کل جامعه نمی‌شماریم.

اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و - بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان، به حد اعلیٰ برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده‌ی بشری - به‌عنوان یک عضو - حد اعلیٰ فایده و ثمره را داشته باشد. همه‌ی تعالیم اسلام از جمله مسأله‌ی حجاب، بر این اساس است. مسأله‌ی حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، برداشتش کاملاً غلط و انحرافی است. مسأله‌ی حجاب، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - بخصوص به ضرر زن - است.

حجاب، به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی نیست؛ دلیل عینیش هم شما هستید. شاید عده‌ی تعجب می‌کردند و هنوز هم تعجب کنند که خانمی که سطح بالای علمی در هر رشته‌ی وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی و از جمله با مسأله‌ی حجاب منطبق کند. این، برای بعضی باورنکردنی بود و نمی‌توانستند تصورش را بکنند.

از برخوردهای لوده و هرزه‌ی کسانی هم که در دوران رژیم طاغوت، حجاب را مسخره می‌کردند، می‌گذریم. در آن دوران، افراد معدودی از خانمها و دختر خانمها در دانشگاهها حجاب داشتند که مورد تمسخر و استهزا بودند. آن برخورد، یک برخورد غیر انسانی جلف و غلطی بود که انسان چیزی را که خودش قبول ندارد، آن را به لجن بکشاند و به باد استهزا بگیرد؛ کاری که امروز رسانه‌های غربی عیناً انجام می‌دهند. در آن دوران، این گونه افراد کار اجلاف را انجام می‌دادند که اصلاً محل بحث نیست؛ اما کسانی هم که اهل این جلافتها نبودند، بلکه اهل فکر و منطق و به



میزان گفتن و به میزان اندیشیدن بودند، باور نمی‌کردند که ممکن باشد خانمی مقید به مسایل اسلامی - از جمله مسأله‌ی حجاب - باشد و بتواند مدارج علمی را طی کند و عالم بشود؛ همچنان که باور نمی‌کردند چنین کسی بتواند در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی کسی بشود؛ کما این که فکر نمی‌کردند بتواند یک عنصر فعال انقلابی باشد. انقلاب ما، هم‌همی این تصورات باطل را تخطئه کرد و دیدیم که خانمها، سربازان خط مقدم انقلاب بودند و این به معنای واقعی کلمه است و من به عنوان یک مبالغه نمی‌گویم. ما در جریان انقلاب شاهد بودیم که زن در کشور ما، سرباز خط مقدم انقلاب شد. اگر زنها با انقلاب سازگار نبودند و این انقلاب را نمی‌پذیرفتند و به آن باور نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمی‌شد. من به این معنا اعتقاد دارم. اولاً، اگر آنها نبودند، نیمی از گروه انقلابیون مستقیماً در میدان نبودند. ثانیاً، به طور غیرمستقیم روی فرزندان و شوهران و برادران و محیط خانه - که زن در محیط خانه دارای تأثیر فرهنگی زیادی است - اثر می‌گذاشتند. این حضور آنها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد.

در میدانهای سیاسی نیز، ما خانمهایی را دیده‌ایم و می‌بینیم که دارای قدرت تحلیل و سخنوری هستند و برای پذیرش مسؤلیت در نظام اسلامی آماده‌اند. البته این کار باز هم رو به گسترش است و باید پیش برود. در زمینه‌های علمی هم که خود شما مصداق و نمونه‌اش هستید و از قبیل شما در رشته‌های مختلف وجود دارند. البته، من این نکته را در همین جا بگویم که رشته‌ی پزشکی - نه فقط زنان - برای خانمها از اولویت برخوردار است؛ زیرا ما که به وجود یک فاصله‌ی ارتباطی و آمیزشی اجتماعی بین زن و مرد معتقدیم و تأکید داریم که نباید اختلاط بی‌قید و شرط بین زن و مرد باشد و معتقد به حجاب - به معنای کامل و واقعی کلمه - هستیم، نمی‌توانیم در مسأله‌ی پزشکی بی‌تفاوت باشیم. یعنی به همان تعداد که پزشک مرد داریم، به همان تعداد هم پزشک زن لازم داریم. بگذاریم زنها برای مراجعات پزشکی خود، به طبیب زن مراجعه کنند و هیچ لزومی ندارد که ما این فاصله را برنداریم. بایستی کاری بکنیم که زنها بتوانند بدون هیچ گونه مشکلی، به طبیب مراجعه کنند و آن طبیب هم طبیب زن باشد.

بعضی از خانمها خیال می‌کردند که اگر زن در رشته‌ی زنان درس می‌خواند، بایستی فقط در زمینه‌ی بیماریهای ویژه‌ی زنان و مسأله‌ی زایمان درس بخواند؛ درحالی که این طور نیست و خانمها موظفند که انواع و اقسام رشته‌های تخصصی پزشکی - مثل قلب و داخلی و اعصاب و... - را دنبال کنند. این، فریضه است. امروز این تکلیف برای زنها، بیشتر از مردهاست؛ اگر چه در جامعه‌ی ما، آموزش رشته‌های مختلف علوم که برای ساختن این جامعه لازم می‌باشد، برای همه فریضه است. آن کسانی که بتوانند، حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم فریضه‌ی شرعی است؛ علاوه بر این که فریضه‌ی اجتماعی هم است.

کسب علم فقط یک امتیاز نیست که کسی بخواهد به جایی برسد و شغل پردرآمدی داشته باشد؛ مسأله این است که کسانی که می‌توانند درس بخوانند، واجب است که درس بخوانند و تخصصها را پیدا کنند. کسب علم و تخصص در رشته‌ی پزشکی - مثل بقیه‌ی رشته‌ها - برای مردها واجب است؛ اما برای زنها واجبتر می‌باشد؛ چون زمینه‌ی کار در میان خانمها کمتر است. به نسبت تعداد زنان در جامعه، ما پزشک زن کمتر داریم. بنابراین از نظر اسلام، این مسأله یک مسأله‌ی حل شده است و جامعه‌ی ما باید پیش برود.

من می‌خواهم بگویم که شما خانمها برای دنیا پیامی دارید. این پیام را دقیق و مسجل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم فقط پیام زبانی و شفاهی و کتبی نیست؛ بلکه بیشتر پیام عملی است. زنهای ایران، بخصوص کسانی که در رشته‌های گوناگون دانش و در چارچوب اسلام و احکام اسلامی و مهمتر از همه مسأله‌ی حجاب توانسته‌اند حرکت بکنند، بایستی به زنان و دختران و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی‌بندوباری نیست و لازمه‌ی تحصیل علم، بی‌قیدی نسبت به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست؛ بلکه می‌توان با رعایت



کامل این موازین، علم را هم تحصیل کرد و به جاهای بالایی رسید و وجود شما می‌تواند به عنوان یک نمونه از پیام جهانی اسلام نشان داده بشود.

بله، من هم این را قبول دارم که گفتید امروز دنیا تشنه است تا ببیند پیام ادیان چیست. در میان ادیان عالم، آن دینی که ادعا می‌کند می‌تواند جامعه را به صورت همه جانبه بسازد، اسلام است. مسیحیت امروز و بقیه‌ی ادیان به طریق اولی، این ادعا را ندارند؛ لیکن اسلام ادعا می‌کند که ارکان بنای یک نظام اجتماعی را در اختیار دارد و می‌تواند این پایه‌ها و رکنها را بنشانند و بر اساس این پایه‌ها، یک نظام اجتماعی و یک جامعه‌ی سالم و پیشرفته بنا کند. ما بایستی در هم‌هی بخشها، از جمله در مسأله‌ی کسب دانش و همچنین در پیوند با این مسأله، مسأله‌ی زن و دانش، نشان بدهیم که این امکان در اختیار اسلام است.

شما هر چه بتوانید، بخصوص دانشجویان دختر را تشویق و تربیت کنید و در رشته‌ی علوم پیش ببرید. این کار، انقلاب و کشور را به اهداف خودش نزدیکتر خواهد کرد. مردم به خدمات شما نیازمندند؛ همچنان که به روش و منش و تعهد و پایبندی شما به دین هم نیازمندند.

امیدوارم که ان شاء الله خداوند به شما توفیق بدهد و همچنان که گفتید، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را الگویی خودتان بدانید و قرار بدهید و مشکلات کار تحصیلی هم از سر راه زنان مسلمان، بیشتر از پیش برطرف بشود. بعضی از مشکلات هنوز در بعضی از مراکز آموزشی شدیداً وجود دارد. ان شاء الله این مشکلات بر طرف بشود و دخترها و زنهای مسلمان ما بتوانند این جاده‌ی تحصیل علم را هر چه بیشتر و قویتر بپیمایند و ما به وجود خانمهایی که با حفظ موازین اسلامی، به عالیترین قله‌های استعداد بشری - چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ اخلاقی و سیاسی و اجتماعی - رسیده‌اند، افتخار کنیم.

مجدداً از خانمها تشکر می‌کنم و امیدوارم که ان شاء الله خداوند شما را مشمول توفیقات خودش قرار بدهد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته